

تقدیر و زمان

میرزا یحیی

نشر قلم مهر

سرشناسه: حیدری، منیژه، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: تقدیر و زمان/ منیژه حیدری.

مشخصات نشر: زنگان: قلم مهر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۱ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۶۹-۰۰-۸۴۹۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

Persian fiction -- 20th century موضوع:

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ی ۷/۴ ت ۸۳۴۱ PIR

ده بندی دیویی: ۳/۶۲۵۸

شماره شابشناسی ملی: ۵۰۸۲۹۸۲



انتشارات قلم مهر

www.taban.com.org

تقدیر و زمان

نویسنده: منیژه حیدری

ناشر: انتشارات قلم مهر

شابک: ۶۹-۰۰-۸۴۹۴-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پیشگام

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

..... مقدمه ۱

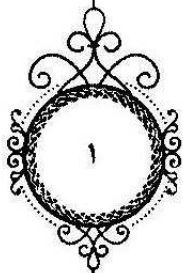
..... قهرمان سرنوشت ۹

..... نفس دیگر ۲۵

..... قلب سپاسگزار ۳۵

..... زندگی تلخ و شیرین ۳۷

شایسته است یادآوری کنم که به یکی از رشته‌های بسیار مهم فرهنگ مردم ایران یعنی افسانه یا داستان نگاهی داشته باشیم و نقش والای آن را در این فرهنگ ارزیابی کنیم. افسانه یا داستان‌ها را نباید بی‌اهمیت جلوه بدهیم و آنها را بی‌متناهی و بی‌داستان برای سرگرم کردن مردم در اوقات فراغت یا برای خواباندن بچه‌ها



ابداع شده، و اما افسانه‌های اصیل سرزمین ما سالیان سال است از سینه به سینه و از نسل به نسل سرآمده و امروز به دست ما رسیده که این داستان‌ها حاوی مطالب آموزنده و عبرت‌آمیز برای خواننده بوده و هست و چه بسیار کسانی بودند که از ذیل همین داستان‌ها راه خود را پیدا کرده‌اند و به سر منزل مقصود رسیده‌اند و چه کسانی هم بودند که از همین افسانه‌ها با باور غلط و بیراهه کشید شده‌اند و جایگاه خود را از دست داده‌اند. آنها کسانی هستند که فرهنگ برداشت از داستان را نمی‌دانند و یک لحظه برای خالی نشدن عریضه کتابی خواندند و گذاشتند کنار. بسیاری دیگر از این افراد این سرزمین هستند که از آنها امروزه نام و نشانی در دست

نیست ولی آنان نیز به گردن «فرهنگ مردم»
ایران حقی عظیم دارند این همان فرهیختگان و
بزرگان و نویسندگان نامدار هستند که فرهنگ‌ها
و دایره‌المعارف‌ها به نام ایشان مزین است که هر
یک به سهم خود تا آنجا که توانسته‌اند سعی
کردند تا افسانه‌ها این یادگاران نیاکان را که
ودیعہ‌های گرانبهائی برای نسل امروز می‌باشند
رنده نگه دارند.

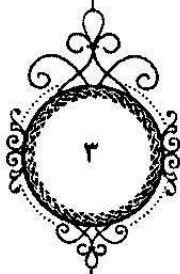


افسانه‌ها مثل آب زلال جاری هستند که هر کسی با هر
دیدگاهی و هر وقت بخواهد بر تابد به قدر اندازه کف دست‌هایش
آب بنوشد و آرامش جان بگیرد.

ایرانیها از ما قبل با هنرهای متفاوتی که داشتند بر کشورها و
حکومت‌های غریبه غلبه کردند، هنر چیزی جز یک چیز نیست، کار
هنری خلاقیت است و سرشت الهی است. قلب هنر باید دایره لوله‌گاه
حسن و بهاء حضرت حق باشد و هنرمند کسی است که علاوه بر
شیدایی حق قدرت بیان آن را نیز از خداوند متعال گرفته است.

البته باید به یاد داشته باشیم که آن نخستین هنرمندان که
بی‌هیچ ادعایی در آغاز پیدایی تاریخ نانوشته بشر قصه‌ها و یا دیگر

افسانه‌ها و اسطوره‌ها و مثل‌ها را به جامعه بشری عرضه داشتند بی آنکه قوت و فن داستان نویسی را بدانند و یا بخواهند آموزش دهند در اصل همان کاری را کرده‌اند که امروز نویسندگان که مخالف همانان هستند انجام می‌دهند.



اینک اینجانب سخنی دارم با جوان‌های امروزی:

شما در آینده استارت بزنید و کارهای جدی و مهمی در پیش رو خواهید داشت و یا دارید مانند معاشرت با دوستان و همسالان رفت و آمد با خدایان طرز رفتار با آنان انتخاب رشته تحصیلی، پیدا کردن شغل مناسب و کسب موفقیت در آن و خلاصه روزی می‌رسد که باید به فکر ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزند باشید.

حال این برنامه‌ها چطور به دست می‌آید؟ با نگرش و دید سالم و با ایمان بودن یک جوان، یک جوان با ایمان با بینش صحیح که درباره‌ی خود و این رویدادها دارد حوادث ناگوار و غیر اختیاری را به عنوان یک پل و نردبان ترقی و وسیله آزمایش الهی که کمال و رشد و سعادت او در گرو آن است تلقی می‌کند و با عبور آگاهانه از آن،

آینده تابناک خود را رقم می‌زند. حوادث و
پیشامدهای دوران جوانی همه گویای این مطلب
است شما نیز با شایستگی با آن برخورد کرده و
پیروزمندانه از آن بگذرید.

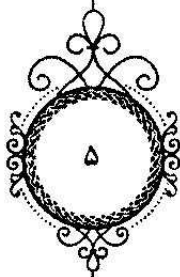
شما نسل امروزی، آینده‌سازان نسل فردا
هستید. پس به خود بیاندیشید و هنر را در خود
جستجو کنید هر انسانی در بطن وجودش هنری
دارد که یا به آن واقف است و نمی‌خواهد بروز
دهد یا خود نمی‌داند چه هنری دارد پس خودتان را کشف کنید تا
به آینده‌ای مطلق برسید.

سخنی چند برگرفته از خاطرات نویسنده:

انسان آفریده به سیما و شبیه به خدا بر همه مخلوقات قدرت و
تسلط پیدا کرده، خداوند به انسان این قدرت را داده که بر بادهای
دریاها نهیب بزند و آرامش کامل پدید آورد این در قدرت است که
به خدای خود ایمان داشته باشیم.

اینجانب از ابتدا نه نویسنده بودم و نه هنرمند اما دلایل و
پیشامدها مرا واداشت تا به نویسندگی و هنر رو بیاورم. زندگی و

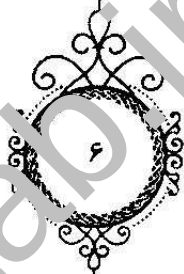
تجربیات تلخ و شیرینم، فرزندانم مخصوصاً فرزند عزیزتر از جانم را که از دست دادم او هم یک شاعر بود باعث متحول شدن زندگیم شد البته یک خواب، خوابی که مرا دگرگون کرد، این خواب تلنگری به من شد که دیوانه‌وار به نویسندگی روی بیاورم و بیشتر به قدرت و قانون خدا پی ببرم و امیدم را از دست ندهم، چون اگر امید و آرزو نباشد انسان از تنگدستی و محدودیت عصیان می‌کند و آن موقع هر وقت



دستم خالی می‌شد می‌نوشتن، ایده‌ها به انواع کارهای هنری رو آوردم که هر کدام به من روحیه می‌داد. روحیه پایداری و صبر و تحمل در برابر مشکلات. مشکلاتی که مداوم پشت سر هم می‌آمد و مرا می‌خواست شکست بدهد ولی من اجازه شکست به خودم را ندادم. بارها روحیه‌ام ضعیف می‌شد. روزهایی می‌شد که استیلا قلم به دستم نمی‌گرفتم اما دوباره روحم را با نویسندگی سازمان می‌دادم و نوشتم و در پس نویسندگی هنرهای دستی و تزئینی انجام می‌دادم (هر چند تو زندگی به اون هدفی که می‌خواستم نرسیدم اما شکرگزارم که خانواده و فرزندان خوبی دارم که مرا در این کار

حمایت و تشویق کردند).

در کل این را می‌خواهم بگویم که خواستن توانستن است. هر کاری، هر چیزی را که انسان اراده بکند به آن می‌رسد خواه خوب و خواه بد پس سعی کنیم راه درست را انتخاب کنیم و هنرمان را در خود بجویم خودمان را دست کم نگیریم، ارزشهای خودمان را بشناسیم و به خود و حقایق خود ایمان داشته باشیم که در عرصه‌ی



زندگی حتماً موفق خواهیم شد.

و انسانی که به موفقیت می‌رسد دیدگان خود را به موفقیت دوخته است. همیشه از انسان موفق بی‌پرسند راز موفقیتان چیست؟

اما هرگز از انسان شکست خورده نمی‌پرسند راز شکستتان چیست؟

همه می‌خواهند بدانند چگونه در مخفی توفیق را بکشایند.

پس برای هر انسانی توفیقی هست هر چند که انگار این توفیق در پس در یا دیواری پنهان شده است.

شور و شوق نسبت به هر کاری که انجام
می‌دهید در مخفی توفیق را به رویتان باز
می‌کند.



و این را هم بگویم هیچ کس چیزی را به
آدمی نمی‌دهد مگر خود او و هیچ کس چیزی از
آدمی دریغ نمی‌کند مگر خود او. اگر خودتان
تغییر کنید همه شرایط عوض خواهد
شد. سعی کنیم هر مانع را بزرگ نکنیم که

باعث شود پیشرفت کنیم. توحه خودمان را به عظمت و لطف خدا
بکنیم و قدرت خود را در نظر بگیریم پس با حمد و ثنا بطلبیم یا
آرزو کنیم تا عظمت و جلال این فائز را در صحنه عمل به چشم
بینیم. به امید آن روزی که همه جوان‌ها در عرصه‌ی زندگی
آن طوری که خودشان می‌خواهند موفق باشند.